

درباره برخی قالی‌های حرم مطهر رضوی که سه قرن است کاربری متفاوتی دارند

پرده‌های مفروش در حریم حرم



۳ نمونه از فرش هایی که از آن‌ها به عنوان پرده در حرم مطهر رضوی استفاده شده است

زهرا زنکنه، قالی پرده‌ای، دست‌بافته‌ای که تاروپودش را به هم گره زده‌اند تا نه فرش زیر پا که در قامت یک پرده ضخیم و باشکوه، در مرز میان دو فضا بایستد؛ نگهبانی خاموش باشد که هم حدود حریم را نگه دارد و هم آمدوشد گرما و سرما را مهار کند. گاه این حریم بنای یک شاهزاده، چادر یک ایلپاتی یا مسجد یک محله است و گاه حریم حرم یک امام‌زاده یا امام تعدادی از این قالی‌ها روزگاری در ورودی‌های اماکن متبرکه حرم و بارگاه منور رضوی نصب بودند و زائران برای رسیدن به قلب این آستان از آن گذر می‌کردند. اما اکنون در موزه آستان قدس پیش چشم زائران امروز هستند، قالی‌هایی که برای همین صحن وسرا بافته شده‌اند و وقف یا تقدیم حرم امام‌رضا^(ع) شده‌اند. در حالی‌که امروزه نیز از قالی‌ها به عنوان پرده در فضای حرم مطهر استفاده می‌شود مروری به قدیمی‌ترین فرش‌های دوروی به جامانده از حرم مطهر، بخشی از اصالت و هویت بارگاه منور رضوی در این زمینه را نمایان می‌کند. مجموعه‌ای چشمگیر از قالی‌های پرده‌ای در موزه آستان قدس رضوی به جای پهن شدن سرپا مانده‌اند و روایتگر این سنت باستانی‌اند.

است. این تلفیق هنر، ایمان و روایت دینی، قالی را به رسانه‌ای زنده و فرهنگی بدل کرده است که هم نگاه را می‌نوازد، هم به زائران نوعی آگاهی می‌بخشد.

نقش پرتکرار محراب روی قالی‌های پرده‌ای

در ایران مارچ به رچ هر فرش با فرهنگ اقلیمی که در آن بافته می‌شود جان می‌گیرد، قالی‌های سجاده‌های هم چنین‌اند و طرح و نقششان نه فقط به زادگاهشان گره خورده که از مکانی هم که قرار است نصب شوند، الهام می‌گیرند. یکی از پرتکرارترین این نقش‌ها در قالی‌های پرده‌ای، طرح محرابی است که یکی از نقوش کهن و اصیل در فرش باقی ایران محسوب می‌شود. این نقش که در ابتدا در ابعاد کوچک و روی سجاده‌های نماز بوده، با گذر زمان، به‌ویژه از دوران قاجار به بعد، در ابعاد بزرگ‌تر و ترکیب‌های متنوع‌تری به قالی‌ها وارد شده و به‌گونه‌ای تبدیل به عنصر تزئینی اصلی در قالی‌ها، گلیم‌ها، نمدا و زیلوها شده است. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که طرح محراب از معماری مساجد الهام گرفته است، هرچند نمونه‌هایی از نقوش طاق در هنر پیش از اسلام نشان می‌دهد که سابقه آن می‌تواند به دوران‌های کهن‌تر نیز برسد.

در طراحی قالی‌های پرده‌ای، محراب اغلب با عناصر طبیعی و خیال‌انگیز دیگری مانند شاخ و برگ ختایی و شاه‌عباسی، درختان سرو، طوبی و سدره المنتهی، گلدان‌های پر از گل و حتی حیوانات و پرندگان مانند طل‌ووس و آهو هم ترکیب شده است. گاه کتیبه‌ای با آیه‌ای از قرآن یا حدیثی از ائمه^(ع)، بالای محراب یا در میان باغی خیالی قرار گرفته تا ارتباط معنایی آن با فضای بارگاه امام‌رضا^(ع) را هم آشکار کند.

۲ نقش یکسان با ۲ رنگ ناهمسان

از دوره قاجار، سبکی ویژه در قالی باقی حرم ظهور



حرم مطهر امام‌رضا^(ع) است که توسط محمد اصفهانی بافته و اهدا شده است. این قالی که از تاروپود پنبه‌ای و برز پشمی با رنگ‌های طبیعی ساخته شده است، ابعادی برابر با ۹۱۱×۲۱۱ سانتی متر دارد. ترکیب رنگی آن شامل سبز، قرمز، سفید، صورتی، آبی و لاجورد است که هماهنگی و جلوه‌ای دلنشین به کل اثر بخشیده است. ساختار قالی شامل فرشیه، متن و محراب است. حاشیه به شکل واگیره‌ای تکراری در طول و عرض بافته شده و زمینه لاک‌رنگ آن با گل‌های شاه‌عباسی هشت‌پروگل گردهشت‌پرترین‌شده است، این گل‌ها با بندهای اسلیمی دهان‌آزدری سفید به هم پیوند خورده‌اند و ریتمی هماهنگ در طول حاشیه ایجاد می‌کنند.

در متن، محراب ترنجی دوازده‌کاله خودنمایی می‌کند که با سرترنج‌ها و قاب‌های کتیبه‌ای کوچک و بزرگ احاطه شده است. محراب با رنگ لاک‌ی بافته شده تا تناسب میان حاشیه و ترنج حفظ شود و درون آن سه قاب اسلیمی بر از گل شاه‌عباسی و نقوش ختایی دیده می‌شود. در بالای محراب، چهار کتیبه شعری با مضمون ستایش امام‌رضا^(ع) قرار دارد که به قالی جلوه‌ای معنوی و ادبی می‌بخشد.

دست‌بافته‌ای دیگر از محمد کرمانی

قالی پرده‌ای سوم نیز که توسط محمد کرمانی در سال ۱۹۲۷ خورشیدی بافته و وقف حرم مطهر شده است، جلوه‌ای چشم‌نواز از ترکیب رنگ و آرایش هنری اشعار به شمار می‌رود. این قالی با طراحی هوشمندانه، اشعار را در اضلاع سه مستطیل مختلف جای داده است، به‌گونه‌ای که هر کدام سهمی متناسب با طول و عرض قالی دارند و نگاه بیننده را به سیر حرکت کلمات و نقش‌ها هدایت می‌کنند.

مستطیل کوچکی در بالای قالی، طولی برابر با عرض قالی و عرضی در حدود یک‌پنجم طول آن دارد و در آن، دو بیت از اشعار به خط نستعلیق بافته شده‌اند. دو مستطیل بزرگ‌تر، هر کدام با طولی حدود چهارپنجم طول قالی و عرضی برابر نصف عرض قالی، پنج مصرع دیگر شعر را در بر می‌گیرند. بیت‌ها در طول و عرض مستطیل‌ها جای گرفته‌اند و با ظرافتی ویژه در ترکیب با زمینه و نقش‌های تزئینی هماهنگ شده‌اند.

ترکیب رنگ‌ها، خط نستعلیق و قرارگیری مصرع‌ها در قالب هندسی مستطیل‌ها، علاوه بر زیبایی بصری، نقش قالی را فراتر از یک پرده تزئینی ارتقا داده و آن را به رسانه‌ای برای انتقال ادب و ارادت دینی تبدیل کرده است. این طراحی هوشمندانه، بیانگر توجه دقیق هنرمند به هماهنگی میان هنر، خط و محتوا و ارزش فرهنگی پرده‌های حرم است.

هم‌نشینی رنگ‌ها روی زمینه لاک‌ی

قالی پرده‌ای دوم، ساخته شده در اواخر دوران قاجار در اصفهان، نمونه‌ای بارز از پرده‌های



در این عکس می‌توانید آخرین چهره ترکیب شده با سبزی درخت‌های کاج و چمن باغچه‌ها را در صحن نو ببینید. این صحنه در سال ۱۳۵۲ خورشیدی برای همیشه به تاریخ پیوست، زیر صحن نو خالی و تبدیل به مکان دفن اموات شد و درختان و فضای سبز نیز برچیده شدند. امروزه استفاده از درخت در تزئین فضای صحن‌های حرم رضوی، جز در صحن رضوان، دیده نمی‌شود و عموماً از گلدان‌های بزرگ با باغچه‌های گل کوچک برای آوردن طراوت فضای سبز به داخل اماکن متبرکه استفاده می‌کنند.

اخبار قدیمی

وقتی روزنامه ایران در دوره قاجار حقیقت را نمی‌نوید

قتل، شیوع بیماری و دزدی در کثرت دروغ



تصویری از دستگیری مجرمان در دوره قاجار

گروه تاریخ و هویت با پیاپی۱۳۰ قمری (۱۲۶۹ خورشیدی) در مشهد بازندگی فراوان است و روزنامه‌ها پیوسته می‌نویسند: «همه چیز در کمال امنیت است و آذوقه فراوان» ولی صفحات روزنامه‌ها پر از اخبار بد است. از دزدی بگیرد تا قتل و غارت. برای نمونه روزنامه ایران در همین ایام می‌نویسد: «یک نفر قوچانی از کاروان سرای مرحوم محمدرحیم خان، بیست تخته چرم به سرقت برده بود. گماشتگان حکومت سارق را دستگیر و جلود مسروقه را ماخوّد و به صاحبش مسترد داشته و خود او (دزد) را نیز سیاست و تنبیه نمودند.»

جریده ایران در ادامه بد لحن زننده‌ای زنی باردار را ضعیفه می‌خواند و در خبری یک خطی می‌گوید که او فرزندى خثنی زاییده است. یعنی نوزادی زاییده که جنسیتش مشخص نیست. احتمالاً پای مشکلات ژنتیکی یا نارسى در میان بوده است. پس از این خبر روزنامه دوباره به شدت بازندگی‌ها اشاره می‌کند و در خبری که دوگانه گویی است، چنین توضیح می‌دهد: «از قرار اخبار واصله، امور ولایت منظم و عموم اهالی مرفه‌اند. از کثرت بازندگی و بسیاری برف، اکثر راه‌ها مسدود شده و اطعمه و ارزاق از هر قبیل در نهایت ارزانی و فراوانی است. بازار کسبه نیز در این ایام از کثرت برف و شدت سرما قدری کساد است.» سپس دوباره گریزی به یک حادثه می‌زند و می‌نویسد: «چند روزی است در ترشیز سگ دیوانه‌ای پیدا شده و چند نفر از اطفال را زخمی کرده است. حکومت حکم به کشتن او نموده ولی هنوز به جنگ نیامده است و از گوشه و کنار، باز با هرکس دچار می‌شود، او را زخمی و مجروح می‌کند.»

در ادامه این خبر، روزنامه مورد عجیبی را مطرح می‌کند، از شخصی دزدی می‌شود و آن شخص به حکومت شکایت می‌کند اما به جای پیدا کردن دزد، خود او را به حبس می‌اندازند، ماجرا از این قرار است: «محمد نام چندروز قبل، از غلامحسین درویش نام به حکومت عارض شد که یک زوج پرده زری در مشهد از او (غلامحسین درویش) اِبتیاع کردم. بعد شخصی دیگر پرده‌ها را در خانه من دیده و مدعی شده که آن پرده‌ها مال من است. بانصد تومان مال مرا به سرقت برده‌اند که از جمله این پرده‌هاست. مراتب را به عرض ایالت جلیله رسانیده‌ام اما مرا چندین‌روز حبس نمودند و آخر ملتزم کردند که با تمام مال مسروق با سارق را به دست بدهم یا بگویم که این پرده‌ها را از کجا آورده‌ام.»

روزنامه ایران سپس می‌نویسد: «از بسیاری برف و بازندگی هنوز اکثر راه‌ها مسدود است. از شدت سرما چندین‌روز به قسمی شده بود که مردم از کسب‌وکار بازمانده، دکانین بازار را بسته بودند. اما اطعمه و ارزاق همه‌وقت از هر قبیل در نهایت فراوانی و ارزانی بوده و می‌باشد.»

برابر آنچه این جریده در ستون حوادثش درج کرده، محمدحسن خان، پسر مرحوم محمد باقرخان قاجار، قوانولم‌که در مدت چهار سال برای احداث نهر جدید نادری و ساختن بعضی بناهای سرحدی به سرحدات خراسان رفته بوده به تهران بازگشته است و از طرف امیرکبیر جایزه دریافت می‌کند. «محمدحسن خان، پسر مرحوم محمد باقرخان قاجار، قوانلو، در این اوقات به دارالخلافه آمده و به توسط وزارت عظمی نقشه‌های ابنیه جدیده را از لحاظ نظر انور همایون گذرانده، به پاداش این خدمات با صواب دید نواب والا نایب السلطنه امیرکبیر، به منصب سرتیپی سوم و نشان و حمایل مخصوص آن منصوب و دوباره برای اتمام نواقض خدمات مرجوعه به خود مأمور و روانه خراسان شد.» پس از این خبر هم دوباره گزارش کوتاهی از آب‌وهوا آمده است: «بازندگی به قدری باریده است که اغلبی از خانه‌ها را خراب کرده، چند نفری هم زیر خاک آوار رفته و زخم‌دار شده، ولی بحدما... هیچ‌کس تلف نگردیده است.»

خبر بعدی ستون حوادث روزنامه ایران هم این است: «از قراری که نگاشته‌اند، شخصی ملامحمدنام، طالع، و خواستار زوجه مرحوم حاجی قربانعلی سرخوصکی بوده، شخصی دیگر رجبعلی نام نیز مشارالیها را می‌خواسته است. شبی رجبعلی تاجر می‌رود در دهلیز خانه مرحوم حاجی قربانعلی پنهان می‌شود. در این اثنا ملامحمد آمده و می‌خواهد داخل خانه شود. رجبعلی که دچار وسوسه شیطان و شامت نفس اماره هم بوده، با تیغ و تبر برسر ملا محمد نواخته، همان جا او را هلاک ساخته و شبانه فرار می‌کند. اهل قریه سرخوصک اطلاع یافته، چند نفری به تعاقب (تعقیب) او بیرون رفته، همان شب او را دستگیر و علی الصباح قاتل و نعش مقتول را نزد حکومت حاضر می‌کنند. بعد از رسیدگی و تحقیقات، حکومت، نعش مقتول را دفن و قاتل را عاجلثا حبس می‌کنند تا به‌طوری‌که باید قصاص و مکافات شود. یکی دو قفره دزدی نیز این اوقات در دهات ترشیز رخ داده بود که به حسن اهتمام حکومت سارقین با تمام مسروقات گرفتار شده‌اند. دزدان چنان که باید و شاید، سیاست شده و اموال مسروقه به صاحبانش مسترد گردید. در سبزوار هم حاجی فرامرزخان سرتیپ سواره که در این اوقات به مرض سرسام گرفتار شده بود، در سن هفتاد و چهار سالگی به رحمت ایزدی پیوست. نظر به لیاقت علیمحمدخان، فرزند آن مرحوم و تصویب وزارت جلیله جنگ، منصب سرتیپی و سواره ابوالجمعی آن مرحوم به علیمحمدخان مرحمت و واگذار گردید. همچنین چندروزی است که در سبزوار مرض محرقه و مطبقه و دردگلو بروز و شیوعی به هم رسانیده، بسیاری از مردم مبتلا و معدودی هم تلف می‌شوند ولی به تمهید شرایط حفظ صحت و حسن مراقبت و مداوات اطبا امید است که به‌زودی مرتفع گردد.»

پس از اخبار قتل ناموسی و بروز بیماری‌های مختلف و شیوع آن، دوباره به خبری از سرقت برمی‌خوریم: «از قرار روزنامه وقایع‌پنجورد، محمدعلی نامی صبح زود، سر حمام رفته، مردی را که سیدمحمدنام داشته‌و از مردم مشهد مقدس است، می‌بیند بالای خاکسترهای گلشن گردش و کاوش می‌کند. آن صدای پای او، سیدمحمد زود برخاسته و به راه می‌افتد. حامی از او سؤال می‌کند میان خاکسترها چه‌کار داشتی؟ جواب می‌گوید که برای قضای حاجت آمده بودم. پس از رفتن این مرد، حامی ملتفت می‌شود که از میان خاکسترها، شقه چرمی نمایان است. چرم را بیرون کشیده، سه شقه چرم و سه پیفته نخ فرنگی و چهل لوله تریاک و مبالغی اسباب دیگر از زیر خاک بیرون می‌آورد و فوراً داروغه شهر را خبر داده، داروغه هم می‌فرستد که مرد را به دست آورده و حاضر می‌کنند. پس از استنطاق و تهدید و فی‌الجمله اذیت، مرد اقرار می‌کند که این امتعه و اسباب از مال حاجی حسین تاجر است. او اعتراف می‌کند که «من قفل در حجره او را باز کرده، سرقت نمودم.» پس از این اعتراف هم باجمله بعد از قدری تنبیه و سیاست مکشوف می‌شود. سرتنی که چندگاه قبل در پست خانه بجنورد شده بود نیز کار همین مرد است. او به‌قدر ثلثی از مسروقات پست خانه را فروخته و مفقود کرده بود و بقیه را به عین قدری در خانه شخصی و قدری دیگر را بیرون شهر زیر خاک پنهان کرده بود. آنچه را از مسروقات به دست آمده، عینا به صاحبانش مسترد و دزد را هم عاجلثا محبوس داشته‌اند.»

● مرز میان برون و اندرون

در سرزمین ایران که تاروپود هر گوشه‌اش با نقش‌های گوناگون فرش‌هایش جان می‌گرفت، این نوع قالی‌ها جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. شکل و اندازه‌شان طوری انتخاب می‌شد که درست مثل درگاهی بافته‌شده از نخ و نقش، در قاب ورودی‌ها جای بگیرند.

از خانه‌های خشتی و چادرهای کوچ‌نشین گرفته‌تا صحن مساجد و اتاق‌های تکلیا، این قالی‌ها حائلی بودند میان برون و اندرون یک فضا.

زیبایی‌شان وقتی دوچندان می‌شد که برخی از آن‌ها را دوروی می‌بافتند؛ همانند ورق ظرفی از هنر که هر سمتش داستانی تازه روایت می‌کرد. طراحان این قالی‌ها با ذهنی پر از خیال و مهارتی ریشه‌دار، باغ‌هایی خیال‌انگیز را در دل تاروپود می‌کاشتند، گل‌هایی که انگار از زمین می‌رویدند تا به آسمان برسند و منظره‌ای از بهشت پیش روی ما باشند. در عصر صفوی این نگاه هنرمندانه با اعتقادات و فرهنگ شیعی در هم آمیخت و بافندگان آنچه را از بهشت برایشان توصیف شده بود، روی قالی‌ها به تصویر می‌کشیدند. هرچند از قالی‌های پرده‌ای دوره قاجار نمونه‌های زیادی وجود دارد اما متأسفانه از قالی‌های عهد صفوی تنها یک نمونه به‌جامانده که استفاده از آن به عنوان قالی پرده‌ای در هاله‌ای از شک و تردید است؛ قالی نفیسی که در کنار دیگر نمونه‌های قجری در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

● رسانه‌ای پیش چشم گذشتگان

در میان موزه‌های ایران، موزه فرش آستان قدس رضوی نمونه‌ای درخشان از قالی‌های پرده‌ای را در خود جای داده است. این قالی‌ها اغلب با طرح‌هایی چون محرابی، محرابی‌گلدانی، محرابی درختی، ترنج‌دار، سروی، قندیلی، باغی و افشان بافته‌شده‌اند. نقوشی که همگی شبیه‌قطعه‌هایی از بهشت‌الهی کنارهم بافته‌شده‌اند تا زینت بخش بهشت رضوی باشند.

اما قالی‌های پرده‌ای، فراتر از نقش و نگار و زیبایی ظاهری، گاه به شکل تابلوهای زنده‌ای عمل می‌کردند تا آیات و احادیث‌الهی بیت^(ع) را به مخاطب منتقل کنند. در تاروپود بعضی از این قالی‌ها، نام مبارک امام‌رضا^(ع) و روایات مربوط به فضیلت زیارت حضرت بافته می‌شوند و به‌گونه‌ای هنری جلوه می‌کنند که هم نشان‌دهنده ارادت و ایمان هنرمند است و هم نقش رسانه‌ای برای انتشار مفاهیم دینی در زندگی روزمره مردم را ایفا می‌کند.

به عنوان نمونه، قالی پرده‌ای «محرابی درختی» بافته شده در این مجموعه، به‌گونه‌ای طراحی شده که احادیث از پیامبر^(ص) و امام باقر^(ع) درباره امام‌رضا^(ع) و اهمیت زیارتش در آن نقش بسته

فتو حرم

مرضیه ترابی(فرایند توسعه و ترمیم صحن نو (آزادی فعلی) از دوره قاجار آغاز شد. ساخت صحن به تنهایی شصت سال طول کشید و همین مسئله باعث شد که در زمان اتمام عملیات اجرایی بنا و تزئینات آن، عملاً فرایند ترمیم هم آغاز شده باشد. صحن نو را بر روی باغ قدیمی «ایلخانی» ساخته بودند، باغی قدیمی و متعلق به دوره صفویه که در وسط آن بنای «برج کبوترخان» حرم رضوی، به عنوان شاخص‌ترین بنای مخصوص کبوترها در تاریخ این مکان مقدس، قرار داشت. صحن با الگوی صحن عتیق (انقلاب امروزی) ساخته شد تا نمادی متفاوت از قدرت و شاید ارادت قاجاریه را در حرم رضوی نشان دهد. تزئینات صحن مانند صحن عتیق چشم‌نواز نبود. کاشی‌های کیفیت چندانی نداشتند و شاید میان نقش‌ها هم ترازوی و ارتباط هنری زیادی دیده نمی‌شد؛ بااین حال، هنرنمایی هنرمندانی مانندمحمدحسین شهیدی مشهدی حتی در بجهوه شورش سالار و اغتشاشات پایان عصر محمدشاه و آغاز دوره ناصرالدین‌شاه باعث شکل گرفتن وزارت فوق‌العاده‌ای شده است که نمی‌توان بر آن چشم پوشید. بعدها، مستشارالملک، وزیر مالیه خراسان و مدفون در رواق داراللسیاده، به تأسیس سقاخانه‌ای در میان صحن